**چالش ها و مسائل ناشی از باروری زیر سطح جانشینی در ایران**

بخشی از بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام در خصوص جمعیت مورخه 03/05/1391:

*"ما بايد در سياست تحديد نسل تجديدنظر كنيم. سياست تحديد نسل در يك برهه‌اى از زمان درست بود؛ يك اهدافى هم برايش معين كردند. آنطورى كه افراد متخصص و عالم و كارشناسان علمىِ اين قسمت تحقيق و بررسى كردند و گزارش دادند، ما در سال ۷۱ به همان مقاصدى كه از تحديد نسل وجود داشت، رسيديم. از سال ۷۱ به اين طرف، بايد سياست را تغيير مي داديم؛ خطا كرديم، تغيير نداديم. امروز بايد اين خطا را جبران كنيم. كشور بايد نگذارد كه غلبه‌ نسل جوان و نماى زيباى جوانى در كشور از بين برود؛ و از بين خواهد رفت اگر به همين ترتيب پيش برويم؛ آنطورى كه كارشناسها بررسى علمى و دقيق كردند. اينها خطابيات نيست؛ اينها كارهاى علمى و دقيقِ كارشناسى‌شده است. اگر چنانچه با همين وضع پيش برويم، تا چند سال ديگر نسل جوان ما كم خواهد شد - كه امروز قاعده‌ى جمعيتى ما جوان است - و بتدريج دچار پيرى خواهيم شد؛ بعد از گذشت چند سال، جمعيت كشور هم كاهش پيدا خواهد كرد؛ چون پيرى جمعيت با كاهش زاد و ولد همراه است. يك زمانى را مشخص كردند و به من نشان دادند، كه در آن زمان، ما از جمعيت فعلى‌مان كمتر جمعيت خواهيم داشت. اينها چيزهاى خطرناكى است؛ اينها را بايستى مسئولين كشور به جد نگاه كنند و دنبال كنند."*

**مقدمه**

امروزه بسیاری از کشورها در حالت عدم تعادل جمعیتی قرار دارند، از یک سو کشورهای در حال توسعه با مشکلات و مسایل رشد بی رویه جمعیت دست و پنجه نرم می کنند، از سوی دیگر جوامع توسعه یافته از نتایج منفی شدن رشد جمعیت و سالخوردگی جمعیت رنج می برند. به عبارت دیگر، اکثریت کشورهای جهان به نوعی با مسائل ناشی از عدم تعادل جمعیتی مواجه اند. این مطالعه در پی تشریح چالش ها و مسائل جمعیتی پیش روی جامعه ایران با توجه به بحران های جهانی است.

ایران در حال حاضر از باروری طبیعی (منظور جامعه ای است که در آن استفاده از وسایل پیشگیری از حاملگی رایج نیست و زاد و ولد کنترل نشده است) به یک باروری ارادی (منظور جامعه ای است که در آن استفاده از وسایل پیشگیری از حاملگی رایج شده و زاد و ولد حالت کنترل شده پیدا نموده است) رسیده است. با فرض اینکه سیاست جمعیتی کشور بیست و اندی سال پیش با دید کارشناسی تهیه شده باشد، بدیهی است که پس از گذشت این مدت، بررسی سیاست ها، ارزیابی نتایج و امکان تجدید نظر احتمالی تقویت شده باشد.

همانگونه که می دانیم اولین و مهمترین وظیفه هر مسئول ارشد جامعه، صیانت و اعتلاء جامعه است و حفاظت جامعه منوط به بقای نسل است. حال اگر به منابع داخلی و بین المللی مراجعه شود به اطلاعاتی بر می خوریم که زمینه ساز نگرانی است. یک شاخص شناخته شده زاد و ولد، نرخ باروری کل (T.F.R) است. در بیان ساده تر منظور از نرخ باروری کل، تعیین تعداد فرزندانی است که جانشین والدین می شوند. اگر این شاخص در حد 1/2 بچه یا کمتر باشد به معنی کاهش تدریجی جمعیت و نهایتاً انقراض نسلی است. با مراجعه به ارقام مرکز آمار ایران و سازمان ملل در سال 1385 این رقم برای کل کشور 8/1 فرزند است. یعنی 18 فرزند با 20 نفر والدین جایگزین می شوند که 2 نفر کمتر از حد جانشینی است. این رقم در سال 1390 به حدود 6/1 فرزند برای هر مادر رسیده است. در صورت اثبات صحت رقم یاد شده علیرغم نظر منتقدان، *موضوع انقراض تدریجی نسل مطرح و با ملحوظ داشتن عامل مهاجرت تقویت می شود.*

**الف) چالش ها و مسائل جمعیتی**

**1) کاهش حجم و رشد جمعیت ملی**

از ویژگی های الگوی مابعد انتقال جمعیتی، کاهش حجم و رشد جمعیتی است که بلاکر در سال 1947 از آن تحت عنوان *سقوط جمعیتی* یاد می کند. در جداول 1 و 2 نتایج پیش بینی جمعیت کشور ایران در صورت ادامه روند فعلی (نرخ های سال 1390) با طرح باروری متفاوت در سال پایه مطالعه شده است. همچنانکه ملاحظه می شود تداوم میزان باروری کل زیر سطح جانشینی در طول دوره پیش بینی موجب می شود که از سال 1415 با رشد منفی جمعیتی مواجه شویم.

جدول 1:نتایج پیش بینی شاخص های جمعیتی ایران. ادامه روند گذشته بین سال های 1385 تا 1425 ، میزان باروری کل سال پایه: 8/1

|  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| **سال پیش بینی** | **تعداد**  **جمعیت** | **میزان رشد جمعیت** | **میزان خام موالید** | **میزان خام مرگ و میر** | **میزان باروری کل** | **میزان تجدید نسل خالص** | **میزان امید زندگی** |
| 1385 | 50/70 | 25/1 | 6/18 | 1/6 | 8/1 | 88/0 | 3/71 |
| 1390 | 79/74 | 10/1 | 1/17 | 1/6 | 6/1 | 78/0 | 2/72 |
| 1395 | 53/78 | 87/0 | 9/14 | 2/6 | 54/1 | 75/0 | 73 |
| 1400 | 28/81 | 57/0 | 12 | 4/6 | 48/1 | 72/0 | 8/73 |
| 1405 | 94/82 | 31/0 | 10 | 8/6 | 41/1 | 69/0 | 7/74 |
| 1410 | 84/83 | 15/0 | 2/9 | 6/7 | 35/1 | 66/0 | 5/75 |
| 1415 | 30/84 | 04/0 | 1/9 | 7/8 | 35/1 | 66/0 | 3/76 |
| 1420 | 96/83 | 12/0- | 6/8 | 9/9 | 35/1 | 66/0 | 1/77 |
| 1425 | 94/82 | 33/0- | 8/7 | 2/11 | 35/1 | 66/0 | 78 |

جدول 2: نتایج پیش بینی شاخص های جمعیتی ایران ادامه روند گذشته بین سال های 1385 تا 1425 ، میزان باروری کل سال پایه: 96/1

|  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| **سال پیش بینی** | **تعداد**  **جمعیت** | **میزان رشد جمعیت** | **میزان خام موالید** | **میزان خام مرگ و میر** | **میزان باروری کل** | **میزان تجدید نسل خالص** | **میزان امید زندگی** |
| 1385 | 50/70 | 41/1 | 2/20 | 1/6 | 96/1 | 96/0 | 3/71 |
| 1390 | 02/75 | 09/1 | 17 | 1/6 | 6/1 | 78/0 | 2/72 |
| 1395 | 77/78 | 87/0 | 8/14 | 2/6 | 54/1 | 75/0 | 73 |
| 1400 | 51/81 | 57/0 | 12 | 3/6 | 48/1 | 72/0 | 8/73 |
| 1405 | 18/83 | 31/0 | 10 | 8/6 | 41/1 | 69/0 | 7/74 |
| 1410 | 12/84 | 16/0 | 3/9 | 6/7 | 35/1 | 66/0 | 5/75 |
| 1415 | 53/84 | 05/0 | 2/9 | 7/8 | 35/1 | 66/0 | 3/76 |
| 1420 | 33/84 | 02/0- | 7/8 | 8/9 | 35/1 | 66/0 | 1/77 |
| 1425 | 32/83 | 33/0- | 8/7 | 1/11 | 35/1 | 66/0 | 78 |

**2) کاهش قدرت تجدید نسل**

به عقیده بونگارت (1997)، رشد طبیعی جمعیت با تحقق سه شرط به رشد صفر و منفی میل می کند:

1. سطوح باروری به کمتر از سطح جانشینی میل کند (میزان باروری کل کمتر از 1/2)
2. ساختار سنی جمعیت به سالخوردگی گرایش یابد
3. کاهش مرگ و میر متوقف شود.

الگوی گذار باروری در ایران پس از انقلاب اسلامی، نشان دهنده تغییر از باروری خیلی بالا به باروری خیلی پایین است. از سال 1363 به تدریج روند کاهش باروری آغاز می شود و از 9/6 فرزند برای هر زن در این سال، به 5/5 فرزند در سال 1367 که زمان شروع مجدد برنامه های تنظیم خانواده است می رسد و از این زمان به بعد، به سرعت روند انتقالی خود را طی کرده و میزان باروری کل به 17/2 فرزند در سال 1379 می رسد (عباسی شوازی و مکدونالد، 2005) و روند کنونی آن نیز از ادامه همان روند قبلی تبعیت می کند. در سال 1385، میزان باروری کل برابر 8/1 بچه برای هر مادر بوده است. چهار استان کشور میزان باروری بین 2/1 و 6/1 فرزند و 13 استان نیز باروری بین 7/1 و 1/2 فرزند داشته اند. میزان باروری کل در 12 استان بین 1/2 و 4/2 فرزند بوده و تنها استان های هرمزگان با میزان باروری کل 5/2 و سیستان و بلوچستان با باروری کل 7/3 فرزند بالاترین باروری در کل کشور را دارا بوده اند (عباسی و دیگران، 2006).

**3) افزایش میانه سنی و سالمندی جمعیت**

از دیگر ویژگی های دومین انتقال جمعیتی (کاهش مداوم باروری و افزایش امید زندگی)، افزایش میانگین سنی جمعیت جامعه است. بر اساس برآوردهای به عمل آمده، میانه سنی در ایران در سال 1385 حدود 23 سال بوده است که این شاخص در سال 1400 به حدود 31 و در سال 1430 به بیش از 40 افزایش خواهد یافت. کاهش میزان مرگ و میر و به دنبال آن کاهش میزان موالید، باعث افزایش امید زندگی و افزایش جمعیت سالمندان می شود. در این مرحله در اثر افت باروری طی چند دهه، جمعیت وارد دوره سالمندی می شود. برخی از جمعیت شناسان اصطلاحاً از آن تحت عنوان *انفجار عمودی سالخورده* ها یاد می کنند. در نهایت سالخوردگی جمعیت در مرحله پیشرفته ای قرار می گیرد که از آن تحت عنوان *معکوس شدن هرم سنی* یاد می کنند. بر اساس مطالعه سازمان ملل در حال حاضر بیش از 20 درصد جمعیت کشورهای توسعه یافته، بالاتر از 60 سال سن دارند و این نسبت تا سال 2050 به 4/32 درصد کل جمعیت کشورهای توسعه یافته خواهد رسید. بر اساس این پیش بینی تا سال 2050 نزدیک 11 درصد از کل جمعیت ایران در سنین بالای 60 سال قرار خواهند گرفت و این نسبت تا سال 2050 به نزدیک 26 درصد خواهد رسید. یعنی بیش از یک چهارم کل جمعیت ایران سالخورده خواهند بود. این تحول بزرگ مستلزم توسعه قابل ملاحظه اقدامات حمایتی و تأمینی است.

جدول 3:تحولات تعداد و درصد رشد سالانه کل جمعیت و جمعیت سالمند (60 ساله به بالا) کشور طی سال های 1385- 1355

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| سال | جمعیت (هزار نفر) | جمعیت سالمند (هزار نفر) | سهم جمعیت سالمند از جمعیت کشور | متوسط رشد سالانه | |
| کل جمعیت | جمعیت سالمند |
| 1355 | 33709 | 1770 | 2/5 | - | - |
| 1365 | 49445 | 2688 | 4/5 | 91/3 | 2/4 |
| 1375 | 60055 | 3978 | 6/6 | 96/1 | 4/0 |
| 1385 | 70495 | 5121 | 3/7 | 61/1 | 5/2 |

منبع: مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال های 1385 – 1355

جدول 4: تحولات جمعیت 60 سال به بالا تا افق سال 1405

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| سال | 1385 | 1405 | کل مرد و زن (هزار نفر) | کل افزایش در فاصله 1405-1385 |
| کل کشور | 5121 | 10048 | 4927 | 2/96 |
| شهری | 3279 | 7631 | 4352 | 3/110 |
| روستایی | 1842 | 2417 | 575 | 18/83 |

منبع: زنجانی، حبیب الله و دیگران، 1389

جدول شماره 4 نتایج یکی از تازه ترین مطالعات در زمینه تحولات سالمندی در ایران را نشان می دهد. همان طوری که ملاحظه می شود، جمعیت 60 سال به بالا تا سال 1405 بیش از 96 درصد افزایش خواهد داشت و در حدود 5 میلیون نفر به جمعیت فعلی سالمند کشور اضافه خواهد شد.

**4) کاهش جمعیت در سن کار و سرمايه انساني**

یکی از مسائل اساسی جمعیتی کشورهایی که در مرحله ما بعد انتقال جمعیتی قرار دارند، *کاهش جمعیت در سن کار و به دنبال آن افزایش تدریجی جمعیت مهاجرین خارجی* است. بعد از دوران انتقال از برهه انفجار موالید، نسل های بعدی به تدریج کوچک تر و کوچک تر خواهند شد و در نتیجه حجم جمعیت وارد شده به سن کار هم رو به کاستی می گراید و کمبود نیروی کار فراهم می شود.

جدول 5: تحولات درصد جمعیت در سن کار (64 – 15 سال) در ایران تا سال 1405

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| سال | جمعیت کل | شهری | روستایی |
| 1385 | 73/69 | 52/71 | 84/65 |
| 1390 | 96/70 | 29/72 | 03/68 |
| 1395 | 88/69 | 09/71 | 20/67 |
| 1400 | 54/68 | 64/69 | 18/66 |
| 1405 | 47/69 | 28/70 | 85/67 |
| تغییرات به درصد | 37/0- | 73/1- | 05/3+ |

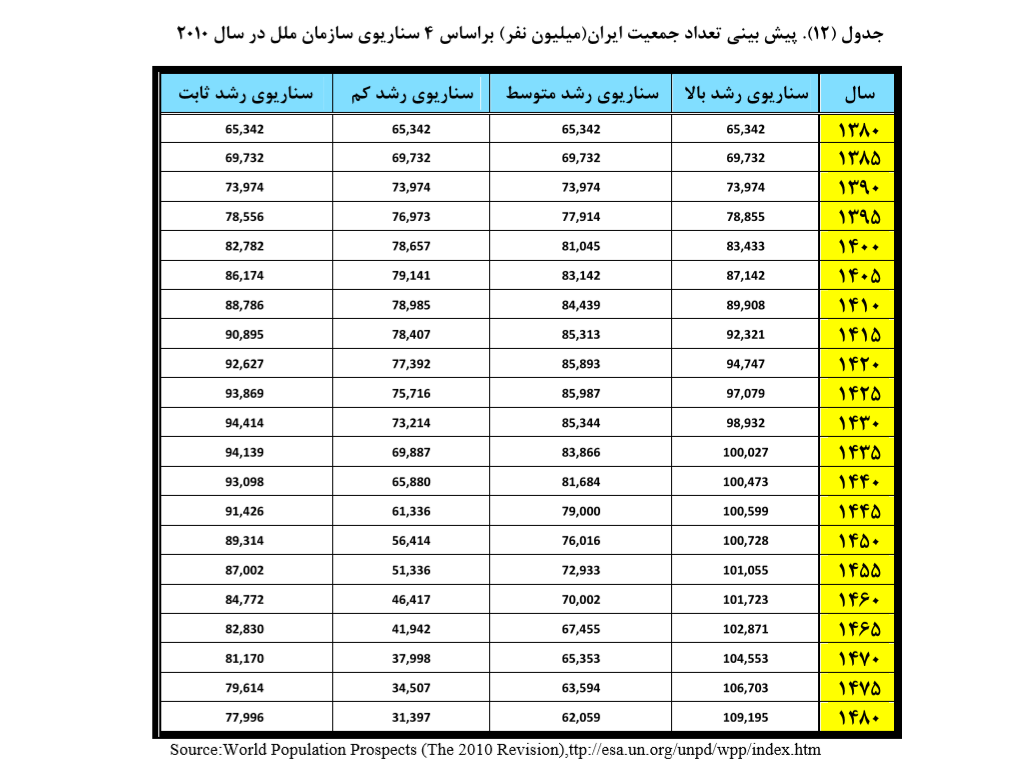
منبع: زنجانی و دیگران، 1389

جدول شماره 5 نشان می دهد که جمعیت در سن کار تا سال 1405 به ویژه در مناطق شهری کشور روند کاهشی خواهد داشت. جمعیت در سن کار کل کشور 37/0-، و مناطق شهری 73/1- درصد کاهش نسبت جمعیتی را تا سال 1405، نشان می دهند. به طور مشخص می توان از جدول فوق چنین استنباط کرد که جمعیت در سن کار از سال 1390 به بعد روند کاهشی خود را آغاز خواهد نمود.

**نتایج پیش بینی جمعیت کشور توسط سازمان ملل در سال 2010**

جدول شماره 12 نتایج پیش بینی های سازمان ملل را بر اساس تحولات اخیر جمعیتی کشور تا 100 سال آینده، در چهار سناریوی متفاوت (رشد کم، رشد متوسط، رشد بالا و رشد ثابت) نشان می دهد.

پیش بینی ها نشان می دهد که در صورت تحقق سناریوی حد پایین، جمعیت ایران تا سال 1430 به حدود 73 میلیون نفر با شاخص سالخوردگی 5/38 درصد، در سال 1445 به حدود 61 میلیون نفر با شاخص سالخوردگی 5/47 درصد و تا سال 1480 به حدود 31 میلیون نفر با شاخص سالخوردگی 4/47 درصد کاهش خواهد یافت. همچنین در صورت تحقق الگوی رشد متوسط، جمعیت ایران تا سال 1445 به حدود 79 میلیون نفر با شاخص سالخوردگی 9/36 درصد، سپس تا سال 1480 به 62 میلیون نفر با شاخص سالخوردگی 5/47 درصد کاهش خواهد یافت.





**ب) چالش های اجتماعی – فرهنگی**

**1) بحران ساختاری خانواده**

زمانی که جوامع وارد دومین انتقال جمعیتی می شوند، *نظام ارزشی و نگرشی آنها به ویژه در زمینه ازدواج، تشکیل خانواده و ارزش فرزندان، تغییرات اساسی می یابد.* در این مرحله شکل سنتی تشکیل خانواده، تعریف سنتی نقش زنان و مردان در خانه و تعهدات و قیود خانوادگی نیز تغییر خواهد کرد و این به علت حضور بیشتر زنان در آموزش و اشتغال و شیوع ارزش های اجتماعی طبقه متوسط غرب در جوامع در حال توسعه است.

افزایش سن ازدواج، تمایل کمتر به تشکیل خانواده، افزایش ناسازگاری های زوجین، افزایش طلاق، کاهش نرخ شیوع ازدواج، افزایش نرخ تجرد قطعی، تمایل کمتر برای داشتن فرزند و برعکس تمایل بیشتر به خودشکوفایی فردگرایانه و حتی گرایشات مردستیزی در بین زنان، موجب پدیدایی بحران ساختاری خانواده در جوامع غربی شده و پتانسیل فرزندزایی را در اینگونه جوامع کم می نماید. در نتیجه حتی سیاست های تشویق موالید دولت ها در زمینه راغب تر نمودن نسل جدید به داشتن فرزند، اثربخشی بسیار کمی خواهد داشت. تحولات خزنده و تدریجی شاخص های تجرد، ازدواج و طلاق گویای این واقعیت است که زمینه های ساختاری فرزند زایی در ایران رو به تضعیف است (جدول شماره 6).

جدول 6: روند تغییرات شاخص های ازدواج و طلاق در ایران در سال های 1385-1365

|  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| سال | میانگین سن ازدواج | | عمومیت ازدواج | | نسبت تجرد قطعی | | نسبت طلاق به ازدواج (درصد) |
| جنس | مرد | زن | مرد | زن | مرد | زن |
| 1365 | 8/23 | 1/20 | 3/98 | 6/98 | 7/1 | 4/1 | 7/9 |
| 1375 | 2/25 | 22 | 9/98 | 8/98 | 1/1 | 2/1 | 9/7 |
| 1385 | 6/26 | 2/23 | 4/98 | 9/97 | 6/1 | 1/2 | 9/12 |

**2) اختلال در حمایت های بین نسلی**

یکی از چالش های اجتماعی – فرهنگی پیش رو برای کشورهایی که با موضوع سالمندی مواجه می شوند، موضوع مربوط به *کاهش حمایت های بین نسلی* است. بایستی به این نکته توجه کرد که جمعیت ها در مراحل پایانی گذار جمعیتی با افزایش تعداد جمعیت سالمند مواجه خواهند شد. در صورتی که افت اساسی و مستمر در باروری رخ دهد، جمعیت های سالمند بدون پشتوانه حمایت نسلی خواهند ماند. اما اگر سطح باروری مطلوب باشد، نه تنها حمایت های بین نسلی خانوادگی تقویت خواهد شد، بلکه فشار اقتصادی کمتری بر بخش های تأمین اجتماعی و صندوق های بازنشستگی وارد خواهد آمد.

**3) شکاف های نسلی در اثر به هم خوردن توازن جمعیت نسل ها**

چالش دیگر، تأثیر سالمندی جامعه بر اتحاد و پیوستگی بین نسل های مختلف جامعه خواهد بود. در جامعه ای که حدود یک سوم جمعیت آن را سالمندان بالای 65 سال تشکیل می دهند، احتمالاً *تعامل بین نسل جوان و گروه سالمندان ممکن است با دشواری رو به رو شود و شکاف نسلی بیشتر گردد*. *در گذار دوم جمعیتی به هم خوردن توازن جمعیتی نسل ها از یک سو و از سوی دیگر تغییرات هنجارهای فرهنگی و ترویج عقلانیت اقتصادی، مسئله شکاف نسلی را تشدید خواهد کرد.* سوق یافتن جمعيت به سوي كاهش باروري و مرگ و مير، *اگر رابطه سنتي ميان نسل ها را نابود نسازد، دست كم ضربه هاي سختي به آن وارد خواهد كرد؛* يكي از اين روابط سنتي، هم زيستي ديرينه و حمايت دوجانبه اي است كه در طول قرن ها ميان جوانان و افراد سالمند وجود داشته است.

**4) کاهش تدریجی سرمایه اجتماعی**

پاتنام (1993) تمام ویژگی های اجتماعی نهادها و سازمان ها از قبیل اعتماد، هنجارها و شبکه های اجتماعی را سرمایه اجتماعی نامیده است. سرمایه اجتماعی محصول جانبی دیگر فعالیت های اجتماعی می باشد. کولمن سرمایه اجتماعی را قدرت و توانایی مردم برای برقراری ارتباط با یکدیگر می داند. در گذار دوم جمعیتی فاصله گرفتن تدریجی افراد از شبکه های اجتماع محور، ماهیت سرمایه اجتماعی را تغییر خواهد داد. *ترویج روابط عاطفی فردگرایانه، انسجام اجتماعی و سرمایه شبکه های اجتماعی را به شدت کاهش می دهد.*

**5) جمع شدن چترهای حمایتی خانواده از سالمندان**

برای بسیاری از سالمندان در کشورهای توسعه یافته، خانواده، دومین یا سومین منبع مهم حمایت محسوب می شودکه این وضعیت یک الگوی جدید است. قبل از قرن بیستم دوره وابستگی کهنسالی خیلی کوتاه تر بود، میزان هزینه دولت برای سالمندان خیلی کم بود و همخانه بودن سالمندان با فرزندان یک هنجار محسوب می شد. به عنوان مثال در ایالات متحده امریکا، بخشی از جمعیت بیمه سالمندی که با فرزندانشان زندگی می کردند از 67 درصد در سال 1920 به 20 درصد در سال 1990 افت کرد. تنها 7/2 درصد از جمعیت واقع در سنین 60 سال به بالای امریکا در سال 2001، حمایت فرزندان خود را به عنوان منبع مهم درآمد ذکر کرده اند. حتی در ژاپن، جایی که حمایت بین نسلی به طور سنتی نقش مهم تری را بازی می کند، قسمتی از جمعیت 60 ساله و بالاتر که فرزندانشان را به عنوان منبع اصلی حمایت ذکر کرده بودند از 8/29 درصد در سال 1981 به 12 درصد درسال 2001 افت کرده است. هم خانه بودن سالمندان با فرزندانشان نیز به طور قابل توجهی در ژاپن کاهش یافته است. در آینده حتی هم خانگی ها و حمایت اقتصادی بین نسلی در ژاپن به علت افزایش بیکاری، بی ثباتی کار، تأخیر در ازدواج و افزایش طلاق در بین جوانان با مشکلاتی رو به رو خواهد بود.

*سالمندی جمعیت، چالش هایی را برای دولت ها پیرامون مراقبت های بهداشتی مورد نیاز، پرداخت حق بیمه درمانی و مستمری بازنشستگی جمعیت رو به تزاید سالمندان، فراهم خواهد کرد.* به علت طولانی شدن امید زندگی، سالمندان مدت طولانی تری از خدمات بیمه و بازنشستگی خود استفاده می کنند. در حالی که در فعالیت های درآمدزا مشارکت کمتری دارند. همچنین در بسیاری از کشورها مانند ژاپن که با سالمندی جمعیت مواجه شده اند، ازدیاد مستمر جمعیتی که حق بازنشستگی پرداخت نمی کنند موجبات نگرانی هایی را برای دولت فراهم آورده است.

**6) آسيب هاي اخلاقي و تربيتي**

خانواده هاي كم جمعيت ممكن است ثروتمند شوند؛ اما ثروتمند شدن آنان از فقير ماندنشان خطرناك تر است. (1982، warwick). تركيب «تك فرزندي و رفاه» بر رفتار والدين و كودكان تأثير فراواني دارد. كودكان در خانواده هاي تك فرزندي در سلسله فراواني از خواسته هاي بي پايان خود رشد مي كنند كه همه يا اكثر آن ها اجابت مي شود. مفاهيم اخلاقي اي نظير كف نفس و قناعت، ايثار و گذشت براي ديگري، تلاش در جهت استقلال شخصيت به گونه اي مسؤولانه براي اين كودكان تجربه نمي شود. از سوي ديگر به دليل اصالت رفاه و لذت، والدين نيز فرزند بيشتر را «مزاحم» تلقي مي كنند. بديهي است كه فرزندان در رشد و ارتقاي شخصيت والدينشان تأثير دارند. در خانواده هاي تك فرزند، والدين نيز از تأثيرات مثبت فرزندان، كم بهره مي مانند.

**ج) چالش های سیاسی - امنیتی**

***برژینسکی***، سیاستمدار کهنه کار و مشاور امنیت ملی سابق امریکا: «از فکر کردن به حمله پیشدستانه علیه تأسیسات هسته ای ایران اجتناب کنید و گفت و گو ها با تهران را حفظ کنید. بالاتر از همه بازی طولانی مدتی را انجام دهید، چون زمان، آمارهای جمعیتی و تغییر نسل در ایران به نفع رژیم کنونی نیست.» (مصاحبه جرالد سیب، دبیر روزنامه آمریکایی وال استریت ژورنال با برژینسکی، مارچ 2009)

یکی از چالش های اساسی جوامع در دوره مابعد انتقال جمعیتی، *کاهش توان نظامی و قدرت بازدارندگی* جوامع است. در کشورهای صنعتی، از جمله استرالیا و کانادا، مشکلات راهبردی ناشی از کاهش نرخ باروری به اتخاذ سیاست هایی در جهت افزایش جمعیت منجر شد. در جنگ جهانی اول نخست وزیر استرالیا، ویلیام (بیلی) هاگز، مردم کشورش را در زمینه انقطاع نسل هشدار داد و آنها را به زاد و ولد بیشتر تشویق نمود. در جنگ جهانی دوم، نخست وزیر استرالیا (کورتین) هشدار داد که کشور استرالیا *برای حفظ امنیت خود*، همانند آسیای پرجمعیت، به یک جمعیت 30 میلیونی نیاز دارد. اساس هدف کورتین برای دستیابی به جمعیت 30 میلیونی در گذر زمان محو شد. اما از آنجا که جمعیت استرالیا در آن زمان 7 میلیون نفر بود، کاملاً روشن بود که افزایش باروری نمی توانست برای افزایش جمعیت استرالیا کافی باشد. از این رو اکثر نخبگان سیاسی استرالیا در اعلام توافق با سیاست های «استرالیای سفید» که به اوایل دهه 1990 برمی گشت، از سیاست های مهاجرت از کشورهای دیگر به ویژه انگلستان و بعضاً از سایر کشورهای اروپایی استقبال و از آن حمایت مالی کردند (Poston &Micklin 2005:724)

در سال 1930 سیاستمداران فرانسوی به این نتیجه رسیدند که به دلیل کاهش جمعیتشان، نیازمند احیای *تسلیحات مدرن نظامی* و درنتیجه کنار گذاشتن استفاده از تسلیحات خط ماگینوت (Maginot Line) هستند. پائول رینولد، وزیر دولت وقت فرانسه، با تأکید بر این نکته که *"تنها یک عامل وجود دارد که بر همه عوامل مسلط است و آن عامل جمعیت است"*، به بحث درباره به کار گیری تسلیحات مدرن پرداخت. اینچنین موضوعاتی قبلاً هم از سوی رهبران وقت فرانسه مطرح شده بود، اکنون نیز در قوانین اروپا و فرانسه ذکر شده است (Poston &Micklin 2005:724). مشکلاتی از این دست تنها منحصر به فرانسه نبود. طی دهه 1930، آلمان به رهبری نازیسم و اتحاد جماهیر شوروی به رهبری استالین به *دلایل کاملاً نظامی و راهبردی،* سیاست هایی وی در جهت افزایش نرخ باروری اتخاذ کردند.

به طور کلی خطرات سياسي و امنيتي ناشی از باروری زیر سطح جانشینی در ایران عبارتند از:

1. **تضعيف نيروى دفاعى كشور**

نيروى جوان و جمعيت فراوان، يكى از شاخص‏ هاى اقتدار نظامى و دفاعى است. مطمئناً كشورى كه داراى جمعيت اندك و يا پير باشد، توان رويارويى مقتدرانه در برابر تجاوز بيگانگان را نخواهد داشت.

1. **كاهش جمعيت جوان و نخبه كشور**

از اصلى‏ ترين پايه‏ هاى پيشرفت و توسعه كشور، نيروى انسانى است. كشورى كه با پيرى جمعيت روبه‏ رو شود، خود به خود جمعيت جوان و نخبه آن دچار آسيب مى‏گردد.

1. **برهم خوردن تعادل جمعيتى**

امروزه شاهد تفاوت نرخ رشد جمعيت در استان‏هاى مركزى و حاشيه ‏اى هستيم، به‏گونه ‏اى كه نرخ رشد استان‏هاى مرزى تقريبا حدود 5 برابر نرخ رشد جمعيت مركزى است. همين تراكم كم يا زياد، خود بر روى نحوه بهره ‏بردارى از زمين تأثير مى‏گذارد و بنابراين، كاربرى اراضى تحت تأثير تراكم جمعيت متحول مى‏ گردد؛ به‏ گونه‏ اى كه شهرها در بهترين زمين‏ هاى كشاورزى گسترش مى ‏يابد. اين امر، ضمن داشتن آثار و پيامدهاى منفى ناشى از تراكم جمعيت براى زندگى افراد جامعه، از ناحيه كاهش زمين‏ هاى كشاورزى موجود، تخليه منابع طبيعى جامعه و درنتيجه، تضعيف امنيت غذايى كشور و به ‏تبع آن، افزايش وابستگى به مواد غذايى وارداتى، امنيت عمومى جامعه را تهديد مى‏كند .

1. **تضعيف جايگاه ايران به ‏عنوان يك كشور شيعى**

تنها كشورى كه در آن دولتى با حاكميت شيعه سر كار است، كشور ايران است. اين سرمايه ارزشمند شيعه كه منادى اسلام ناب محمدى در جهان است، مى ‏بايد هم از نظر كمّى و هم كيفى شاخص‏ هاى لازم را داشته باشد و يكى از اين شاخصه ‏ها، جمعيت قابل قبول است كه بتواند در برابر جهان كفر قد علم كند.

1. **عدم نشاط اقتصادي – اجتماعي به موجب پيري جمعيت**

در كمتر از سه دهه، جمهوري اسلامي ايران به كشوري شديداً سالخورده تبديل خواهد شد و اين يعني كاهش نشاط و نوآوري در جامعه و افزايش فشارهاي اقتصادي و اجتماعي براي رفع دغدغه خيل عظيم سالخوردگان، و اين همان چيزي است كه غربي ها مي خواهند؛ افزايش مشكلات كشور و فروپاشي از درون.

**د) چالش های اقتصادی**

یکی از عوامل اصلی رکود اقتصادی کنونی در غرب که نمودها و علائم آن در بسیاری از کشورهای اروپائی و آمریکای شمالی از اواخر دهه 1990 مشخص بود، تجربه تغییرات جمعیتی در این کشورها طی 50 سال گذشته قلمداد شده است. از نگاه جمعیت شناسی، یک جمعیت در حال رشد و جوان احتیاج بیشتری به کالا و خدمات دارد. علاوه بر آن افزایش تقاضا برای امکانات، مسکن، املاک و مستغلات در این جوامع بیشتر می شود. با افزایش نیازهای متعدد جمعیت در حال رشد، باید مردم بیشتری هم به کار گرفته شوند تا کالاها، خدمات و نیازهای جمعیتی را تدارک ببینند. از طرف دیگر باید کارگران بیشتری وارد چرخه کار، در بخش های صنعتی، خدمات و کشاورزی شوند. همچنین به کارخانه ها و کارخانه های بیشتری نیاز است تا نیروی کار که وارد بازار کار می شود به کار گرفته شوند. سال 2000 میلادی با سال های پایان نسل انفجار موالید (1966-1947) در اروپا مقارن بود. در واقع سطح باروری نسل انفجار موالید (Baby Boom) بسیار کمتر از والدین شان بود و لذا بازار با *سیر نزولی و کاهنده تقاضا* مواجه شد. جمعیت متقاضی کالاهای اساسی از جمله مسکن و امکانات رفاهی کاهش یافت و این تغییر جمعیتی از دیدگاه برخی جمعیت شناسان و اقتصاددانان به عنوان یکی از عوامل مؤثر در ایجاد بحران اقتصادی قرن اخیر در اقتصاد آمریکا و اروپا قلمداد شده است.

تغيير ساختار سني جمعيت مي تواند آثار مهم و تعيين كننده اي بر رشد اقتصادي داشته باشد. اين تغيير از راه هاي گوناگون بر رشد اقتصادي اثر مي گذارد. افزايش سالمندي سبب *افزايش هزينه هاي سلامت و تأمين اجتماعي* مي شود. اين هزينه ها را كه سازمان هاي بازنشستگي به افراد مسن پرداخت مي كند، در واقع انتقال از جوان ترها به نسل هاي مسن است كه خود به مرور زمان مي تواند سنگين و مشكل ساز شود. تأمين اين هزينه ها سبب *كاهش سرمايه گذاري عمومي* و سرانجام سبب *كاهش رشد اقتصادي* مي شود. از طرف دیگر، با بروز تغييرات اساسي در ساختار سني جمعيت، در نتيجه گذشت زمان و ورود قشرهاي بزرگسال جمعيتي به دوره سالمندي، *ميزان توليد كشور نيز دستخوش تغيير مي شود*؛ زيرا در اين مرحله، مشاركت در توليد ناخالص داخلي اين گروه سني از جمعيت، پايين تر از ديگر گروه هاي سني خواهد بود و مي توان انتظار داشت كه رشد قشر سالمند، تأثير مثبت و معنادار بر رشد توليد نداشته باشد.

به طور خلاصه پیامدهاي اقتصادي کاهش جمعیت عبارت است از:1. کاهش رشد اقتصادي 2. پائین آمدن نرخ پس انداز خانواده ها 3. افزایش بار مالی نسل هاي جوان تر 4. افزایش بار تکفل و 5. افزایش تقاضاي بازنشسته هاي فعلی و فشار بر سیستم تأمین اجتماعی.